

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال یازدهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۱

قلعه دختر*

دکتر فاطمه مدرسی

استاد دانشگاه ارومیه

نسرین سیفی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه ارومیه

چکیده

قلعه دخترها ابنیه پرمز و راز تاریخی ای هستند که در گوشه و کنار این سرزمین مقدس بر بلندای کوه ها و تپه ها به آرامی خفته اند. بیشتر این قلعه ها در روزگاری که ایران باستان مراحل گذار از زن محوری به دوره مردسالاری را پشت سر می گذاشته است، ساخته شده اند و این مسئله فرضیه های بسیاری را در مورد نوع کاربرد و علل تسمیه آن ها به «قلعه دختر» پدید آورده است. این پژوهش بر آن است تا به معرفی قلعه دخترها در سراسر ایران و نیز سایر کشورها پرداخته و سپس، به بررسی افسانه هایی که پیرامون این قلعه ها وجود دارد بپردازد.

واژگان کلیدی

قلعه دختر، پرستشگاه، قلعه های نظامی، افسانه ها.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۴/۱۷

نشانی پست الکترونیک نویسنده: fatememodarresi@yahoo.com

nasrin_s1358@yahoo.com

۱- مقدمه

ایران، سرزمین آریایی هاست، مردمانی از تبار خورشید و باران، بایبان ها، جنگل ها، کوه های پر برف و دره های سرسبز و پر بار، جایی که درختان سیب و نخل های خرما به فاصله چند کیلومتری یکدیگر می رویند. بناها در این سرزمین به خاطر تنوع آب و هوایی دارای طرح های متفاوتی می باشند: از سقف های شیروانی شمال ایران تا بادگیرهای بلندیزد، از قصرهای سنگی ساخته شده در دشت هاهم چون تخت جمشید تا قلعه های صعب العبور در دل کوه ها چون قلعه الموت. تنوع ساخت و ساز بناها شگفتی هایی را در این سرزمین به وجود آورده که هنوز هم بعد از سال ها چشمان مشتاق بینندگان رادری خود می کشد.

از جمله این بناها می توان به «قلعه دختر» ها اشاره کرد. این قلعه های صعب العبور که در دل کوه ها ساخته شده اند، چون زنان همیشه پوشیده ایرانی که حتی بر دیوار نگاره های تخت جمشید نیز خود را به رخ نکشیده اند، از چنان غموضی برخوردارند که کسی به طور قطع و یقین به راز ساخته شدن آن ها پی نبرده است.

۲- قلعه های دختر ایران

معروفترین این قلعه ها واقع اند در:

۱- قلعه دخترهای آذربایجان شرقی و غربی

قلعه و غار قیزلارقالاسی مراغه

قیزلارقالاسی (قلعه دختران) یکی از مهمترین آثار تاریخی و طبیعی شهرستان مراغه است. این قلعه و غار در بیست کیلومتری جنوب غربی مراغه و در سمت جنوبی دره بسیار عمیق کوه های گوی داغ (کوه کبود) واقع شده است.

قلعه دختر (قیزقالاسی) میانه: این قلعه در دو کیلومتری شمال پل دختر میانه بر روی صخره ای بزرگ، بالای کوهی به شکل کثیرالاضلاع غیر منظم با برج و بارویی مستحکم احداث شده است. «بلندی دیواری که باروی قلعه محسوب می شود، حدود چهارده متر است. در دیوار قلعه دو مدخل ساخته شده است که هر کدام سه متر ارتفاع دارد.» (زننده دل، ۱۳۸۷: ۲۹).

قز قاپان تکاپ: قز قاپان که معنی دختر ربا و دختر گیر و جذب کننده دختر می دهد، نام محلی است در بیست کیلومتری تکاب که قلعه ای به نام قلعه بردینه (قلعه سنگی، به لهجه کردی) دارد.

قلعه دخترهای اصفهان

نارنج یا نارین قلعه: این قلعه که در شهر ناین در نزدیکی مسجد علویان در محله باب المسجد واقع شده، بسیار قدیمی بوده و از خشت خام ساخته شده است. به نظر باستان شناسان زمان احداث این قلعه به پیش از اسلام و به دوره های اشکانیان تا ساسانیان مربوط می شود.

مناره چهل دختران: در شمال محله قدیمی یهودی نشین جوباره اصفهان در خیابان کمال و در نزدیکی منار تاریخی ساربان واقع شده است. این بنا در دوران سلطان محمد ملکشاه سلجوقی به سال ۵۰۱ هجری قمری و به خواست سپهسالار ابو الفتح نهوجی ساخته شده است.

شاردن می گوید: برج چهل دختران در قلعه طبرک اصفهان بود و مردم «معتقد بودند در اینجا ارواحی به صورت دختران جوان حاضر می شوند» (شاردن، ۱۳۶۲: ۱۳۱) و به همین جهت کسی جرأت نمی کند آنجا بخوابد. تا چند سال قبل دختران دم بخت اصفهان، برای گشوده شدن بخت خود تکه هایی از پله های آجری آن را می کنند و می بردند.

گنبد چهل دختران کاشان: بنایی آجری است و به سبک مغولی ساخته شده و ساقه آن بر پایه های ضخیم استوار گشته است. رأس آن به هشت طاق کوچک جناقی منتهی می گردد و سقف مدور آن بر روی کثیر الاضلاع قرار گرفته است.

قلعه دخترهای تهران

دختر قلعه: «دژ طالقان که بر بالای گتسه ده بر سر راه ابریشم قرار گرفته» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۵۵) نیز از نمونه های قلعه دخترهای موجود در ایران می باشد. ابعاد دیوارهای باقی مانده این دژ در حدود یک متر و سی سانتی مترالی یک متر و پنجاه سانتی متری باشد و بقایای معماری داخل آن به صورت پراکنده دیده می شود.

قلعه دختر قزل ماما: بنای تاریخی و باستانی موسوم به قزل ماما یا آناهیتا برفراز کوهی ۳۱۸۰ متری در شمال آبادی بزرگ آهار و شهر آب قرار دارد. اگرچه «از بنای قدیمی این ساختمان هم اکنون به جز یک طاق قوسی شکل و دیوارهای فروریخته آثار چندانی برجای نمانده، لیکن بسیار با بهت و دیدنی است.» (مقیم، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۶).

قلعه دختر شهرستانک: این قلعه در حوالی تهران و برفراز تپه ای بین جاجرود و کرج ساخته شده و بنایی به نام مادر دختر نیز در آن حوالی هست. «اشاره ای به قلم ماگزیم سیرو به زبان فرانسه درباره قلعه دختر شهرستانک به چشم می خورد.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۵۴). بنای این قلعه مربوط به عهد ساسانی می باشد.

قلعه دخترهای خراسان

قلعه دختر باز: این قلعه در حوالی باز که بازالحمراء و بزدهور و بزدغور نیز نوشته می شود، قرار دارد، در آن نواحی کوهی است که بقایای معبدی در پایین آن قرار دارد و دو قلعه به نام «قلعه دختر» و «قلعه پسر» در بالای تپه ای و در مدخل تنگه عبور واقع شده اند. سبک بنای باقی مانده متعلق به دوره ساسانیان است. اما «آتشگاه بازهور به نظر بسیاری مربوط به زمان پارتی ها می باشد.» (مشتاق، ۱۳۸۷: ۴۹).

قلعه دختر گناباد: در قسمت شرقی گناباد-یک فرسنگی بیدخت-قلعه ای به نام دختر وجود دارد. در آنجا آثاری از قبیل اتاق و حمام و غیره نیز دیده می شود. آن طور که گفته اند بنای این قلعه، توسط دختر یکی از سلاطین قدیم ایران به نام بیدخت انجام گرفته و در کنار آن قناتی احداث نموده است.

قلعه دختر مزاربجستان: در شش کیلومتری جنوب غربی بجستان روستایی به نام مزار وجود دارد. «برفراز قله ای منفرد و رفیع و واقع در پنج کیلومتری جنوب غربی قریه مزار» (زمانی، ۱۳۵۱: ۲۵۳) قلعه دختری وجود دارد که قدمت ساخت آن را به زمان ساسانی منسوب می دارند. این قلعه در زمان اسماعیلیه مورد استفاده آنان قرار می گرفته است. امروزه نیز جز سنگ هایی پراکنده در دشت و خرابه هایی چند از آن برجای نیست.

قلعه دخترهای خوزستان

قلعه دختر: این قلعه در شمال رامهرمز در دامنه های میانی کوهی گچی، بر روی دو تپه در امتداد هم واقع شده است. این قلعه شیبه دژی است که در روزگار ساسانیان برای حفاظت راه تجاری و نظامی شوش، واجار، اصفهان یا برای نگهداری کاخ و خزاین رامهرمز یا نظارت بر جلگه زراعی، باغ ها، مزارع و انبارهای غله ساخته شده است.

قلعه های گلاب، گل و ده مرد: این قلعه ها در سمت شرقی سردشت در کناره جنوبی رودخانه زهره واقع شده اند. راه قلعه گلاب از گوشه شمالی کوه آغاز می شود و پیچ های زیادی دارد. این راه با شیبی تند در جهت شمال غربی و جنوب غربی امتداد دارد.

قلعه دختر شوستر: در نزدیکی شوستر قلعه ای به نام «دختران» وجود دارد که در سه فرسنگی شوستر است و بر بالای کوهی قرار گرفته، در نزدیکی قلعه در وسط کوه غاری نیز دیده می شود.

قلعه دخترهای سیستان و بلوچستان

قلعه چهل دختران: در بالای دره سوخته و در کف عریض هامون جنوب غربی در نیکشهر، ویرانه ای از ساختمانی مشهور به «چهل دختران» قرار دارد. ساختمان این قلعه روی سکویی که از سنگ های بزرگی تشکیل شده پابرجا مانده است. این سنگ ها را با گل رس به هم متصل ساخته اند و ردیفی از روزنه ها در بالای سکو، سبب گشته که سالم بماند.

کوچک چل کنجه: بر دامنه بالای کوه خواجه در سیستان چهار خرابه است که یکی از آن ها امروزه محل نذر و نیاز مردم سیستان است. دومین بنای آن تخت رستم سومین بنا که در قسمت پایین کوه - سمت جنوب - است، به نام کوچک چل کنجه نامیده می شود. «کنجه مخفف کنجک و کنجک پهلوی است که همان کنیزک (کنیچا) امروزی باشد.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۸۴).

قلعه دخترهای فارس

بنای مشهور به قبر مادر نادرشاه: در ضلع شرقی قلعه اژدهاپیکر و بر یک سطح مرتفع مشرف به شهر لار، بقایایی از قلعه ای تاریخی به جامانده که به قبر مادر نادر مشهور است. دیوارهای خارجی ساختمان مربع شکل و به ابعاد چهار و نیم

در چهار و نیم متر است. ارتفاع این ساختمان نه متر است و چندین بار تعمیر شده است. در غرب بنا و متصل به آن، حوضی قرار داشت که بعدها به مسجد تبدیل شد.

کتل دختر: بین راه کازرون و دشت ارژن واقع شده است. فرصت الدوله گوید: «پس از عبور از کاروانسرای میان کتل، کتلی پیش می آید مشهور به کتل دختر، این هم راه صعبی است و به حدی سرازیر است که شخص با اسب نمی تواند عبور نماید.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۵۶).

قلعه قبر: این قلعه در پنجاه کیلومتری شهر جهرم و بر بالای کوهی به ارتفاع چهارصد متر واقع شده است. قلعه این کوه به ارگ اول موسوم است. در غرب ارگ اول چشمه ای کوچک وجود دارد که به «چشمه دل سیاهان» معروف است. از پای چشمه، راهی باریک و پرپیچ و خم به برج قلعه قبر منتهی می شود.

قلعه دختر فیروز آباد: در شش کیلومتری شهر کنونی فیروز آباد (گور سابق) میانه فیروز آباد و بلوک خواجه بارویی و چند برج از سنگ و گچ ساخته اند که آن را قلعه دختر گویند. «این اثر تاریخی برفراز کوهستانی مشرف به رودخانه تنگ و جلگه فیروز آباد قرار دارد، از سده سوم میلادی باقی مانده است.» (زنده دل، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

قلعه دختر فسا: در پای کوه خرمن و کمی بالاتر از آن، باقیمانده های بنایی به چشم می خورد که از دیرباز قلعه دختر نامیده می شده است.

قلعه دخترهای قزوین

قلعه دختر قیز قالاسی: این قلعه در پانزده کیلومتری جاده تاکستان-زنجان و در نزدیکی روستای «آبک لو» بر بالای کوهی واقع شده است. موقعیت استقرار بنای قلعه به نحوی است که از سه طرف بدون فاصله به پرتگاه های پر شیب منتهی می شود و تنها از طرف جنوب است که محوطه ای در جلوی آن وجود دارد. مصالح به کار رفته در این بنا، بیشتر آجر است. آجرهای به کار رفته در بنا، از نظر ابعاد مانند آجرهای بزرگ و قطور دوره ساسانی اند.

قلعه دخترهای قم

قیز قلعه سی جمکران: به دوره پیش از اسلام و اسلامی تعلق دارد و در جنوب غربی مسجد جمکران، در مقابل کوه دو برادران واقع است.

قلعه قیزعلی: در شرق روستای قمرود قرار دارد و دارای حیاط مرکزی و چهار برج در چهار گوشه است. این قلعه احتمالاً از آثار دوره صفوی است.

قلعه ملک آباد: این قلعه را «مهندس الممالک برای دخترش و به نام او برپا داشت. در کنار این قلعه آسیاب آبی احداث شده است.» (زننده دل، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

شیرین قلعه (منصور آباد): در جنوب شرقی قمرود واقع شده و آثار کمی از آن باقی مانده است.

قلعه دختر قم: این بنای کوچک در یک کیلومتر و نیمه شهر و بر کنار جاده سلطان آباد (اراک) و برفراز تپه ای ساخته شده است و چهارطاقی دارد.

قلعه دخترهای کرمان

قلعه دختر کرمان: ساختمان های قلعه دختر کرمان به دو قسمت مستقل تقسیم می شود: قسمتی که برفراز قلعه نسبتاً مرتفع جنوب شرقی قرار دارد که سابقاً قلعه کوه نامیده می شد و به علت وضعیت طبیعی از قلعه دیگر مجزا است. قسمت دوم بر تپه کوتاه تری قرار دارد و به قلعه دختر موسوم است. قسمتی از این قلاع به نام اردشیر شهرت دارد.

درافسانه ها ساختمان قلعه را به اردشیر بابکان نسبت می دهند. در شاهنامه فردوسی بنای قلعه به کسی قبل از اردشیر به نام هفتواد نسبت داده شده است. در داستان کرم هفتواد در این باره آمده است:

بین این شگفتی که دهقان چه گفت	بدانگه که بگشاد راز نهفت
یکی شهر بد تنگ و مردم بسی	ز کوشش بدی خوردن هر کسی
در آن شهر دختر فراوان بدی	که بیگناه جوینده نان بدی

(شاهنامه، ص ۸۹۷)

از قطعات کاشی که در محوطه قلعه دیده شده برمی آید که بعضی از ساختمان های آن افزون بر جنبه های نظامی، جنبه بزمی نیز داشته و هنر و ذوق در تزئین آن دخالت کرده است.

قلعه دختر کوهبنان: در نزدیکی کوهبنان برفراز تپه ای واقع شده و در پایین آن چشمه آب گرمی قرار دارد که می گویند شفا بخش است. «قناتی نزدیک کوه

قلعه دختر کوهبنان هست که آن را «ا پ ل وار» می نویسند. قلعه، سنگابی و اتاکی هم دارد، که در آن به مشرق باز می شود.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۶۵).

قلعه دختر راور: در بین راه دیهوک و راور، نزدیک دربند قرار گرفته و کاروانسرای معتبری نیز دارد. قلعه بر بلندی پشته ای که حدود صد و پنجاه متر از زمین ارتفاع دارد، در کنار رودخانه خشک «کال» قرار گرفته است.

قلعه دختر خانمان: در کرمان، نزدیک رفسنجان، در حوالی آبادی موسوم به خانمان قلعه ای به نام دختر وجود دارد.

قلعه دختر سیرجان: در کنار قلعه سنگ سیرجان، نزدیک سیرجان کهنه، محلی به نام قلعه دختر وجود دارد که در اراضی قطیبه قرار دارد. پیش از این سدی بر رودخانه سوخته چال در حوالی آن ساخته شده بوده است.

قلعه دخترهای کرمانشاه

قه لا هجیر (قلعه هژیر): بر قلعه کوه هژیر (هجیر) در کنار روستای جون آوا (جیحون آباد) و چمه (هجده) کیلومتری شمال غربی صحنه و چهار کیلومتری شرق راه کرمانشاه - سنقر) آثار دیوارهای قلعه ی قدیمی عظیمی مشهود است که بلندی دیوارهای آن به سه متر می رسد. ریش سفیدان محل اعتقاد دارند که توصیف قلعه ی هجیر در شاهنامه فردوسی نیز آمده است. این قلعه به این دلیل در قلعه های منسوب به دختر ثبت شد که گمان می رود، قلعه هجیر در حقیقت از آن گرد آفرید بوده است.

قلعه مریم: این قلعه در مسیر سرپل ذهاب قرار گرفته و مربوط به دوره ساسانی می باشد.

قلعه منیژه: قلعه منیژه در راه سرپل ذهاب به دیره واقع شده و مربوط به دوره ساسانی می باشد.

قلعه دخترهای کهکویه و بویر احمد

قلعه دختر: این قلعه دختر در «دهی از دهستان دشمن زیاری بخش کهکویه شهرستان بهبهان واقع شده و در سه هزار گزی شمال باختری قلعه کلات، مرکز دهستان و چهل و سه هزار گزی شمال شوسه بهبهان به آور قرار دارد.» (دهخدا، ۱۳۶۵: ۴۱۰).

و نیز از دیگر قلاع دختر در این استان می توان به قلعه دختر کلانک تراب، قلعه دختر امام زاده، قلعه دختر گود سرخ و... اشاره کرد.

قلعه دخترهای لرستان

قلعه منیژه: بر فراز قله ای از کوه سرخس کوه دشت، آثار یک دژ معروف باقی مانده است. طول باروی قلعه متجاوز از صد متر است و راه ورود به قلعه فقط از سمت دره ای است که به سوی آن امتداد دارد. اهمیت این قلعه در تسلط آن بر دره های اطراف و وسعت دید قابل توجه آن است. سکه هایی که از این محل به دست آمده اند، به دوره اشکانی مربوط می شوند و این نشان دهنده آن است که بنای این قلعه به احتمال زیاد در زمان اشکانیان بوده است.

قلعه دخترهای استان مرکزی

قیز قلعه ساوه (قلعه اسماعیلیه): قصر، عبادتگاه و دژ دفاعی قلعه دختر ساوه در کنار آبادی «قیز قلعه» بر روی کوه قره داغ درسی و پنج کیلومتری جنوب غربی ساوه ساخته شده است. در جوار بنای اصلی، سمت دروازه، بنای دیگری احداث شده که نمازخانه ای در آن قرار دارد و محراب آن هنوز در قسمت جنوب غربی دیده می شود. در شمال قلعه بقایای یک آبادی و تپه ای وجود دارد که در آن سفال هایی از هزاره چهارم و پنجم قبل از میلاد یافت شده است.

قلعه دخترهای هرمزگان

قلعه هزاره (بی بی مینو): این قلعه تنها بنای تاریخی شهر میناب می باشد. مردم بومی این قلعه را «بی بی مینو» می نامند و معتقدند که در روزگاران گذشته دو خواهر به نام های «بی بی مینو» و «بی بی نازنین» این قلعه را بنا کرده اند. این قلعه تا اواخر دوره قاجار مرکز حکومت محلی بوده و در اطراف آن خندق کنده شده بوده است. در حال حاضر، از این قلعه مخروبه ای باقی مانده است.

قلعه دخترهای همدان

قلعه دختر (قیز قالاسی): با آن که تخریب شده است، ولی هنوز پی بنا و دیوار آن باقی مانده است. برخی از سردرها و پله های سنگی که تراش خورده، نشانگر معماری زیبا و رونق آن در دوران خود است. این قلعه که اهمیت نظامی

داشته، بر تمام شهر همدان و اطراف آن و گردنه معروف همدان-تویسرکان تسلط کامل دارد.

قلعه دختر نهاوند: در نهاوند قلعه دختر گپ (به معنی بزرگ) وجود دارد. مردم محلی می گویند این قلعه، قلعه یزدگرد سوم بوده است.

قلعه پری: این قلعه «در روستای «پری» از توابع بخش زندشهرستان ملایر» (زننده دل، ۱۳۸۷: ۱۸۳) واقع می باشد. همچون سایر قلاع دختر از قدمتی طولانی برخوردار است. از آن جایی که نام دختری را بر آن نهاده اند، در زمره قلعه های دختر از آن نام برده شد.

۲-۱ قلعه های دختر در سایر کشورها

در کشورهای همجوار ایران نیز قلعه هایی یافت می شوند که مسمی به نام دختر هستند. معروفترین این قلعه ها عبارتند از:

قلعه دختر های افغانستان

قلعه دختر خیसार: این قلعه بزرگ در هرات قرار دارد. به گفته یک مورخ افغانی، عوام از این قلعه به نام «قلعه دختر» هم یاد می کنند. استاد باستانی پاریزی به نقل از کتاب طبقات ناصری می نویسد؛ «بر بالای آن یک قطعه از تنه درخت آبنوس یافتند زیادت از دوهزار من و کیفیت وضع آن را هیچ کس درک نکرد.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۶۵).

قلعه بکر: در کتب تاریخ، قلعه چنین توصیف شده است: «.. قلعه بکر، صخره ای بود در میان دریایی و از عهد بزرگمهر، هیچ آفریده از سلاطین و ملوک را بر او دستی نبود... دو شیشه ای است، پس زایل نکرده بکارت او را دست حادثه و بر نیامده به سوی او همت حادثه ها...» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۶۶).

قلعه دختر آذربایجان

قلعه دختر باکو: در بادکوبه (باکو) آذربایجان قدیم نیز نامی از قلعه دختر برده اند. قلعه دختر باکو در کنار برجی قرار گرفته است که به برج دختر معروف بوده است. در مرآت البلدان درباره برج دختر باکو آمده است: «برجی است بسیار مرتفع که موسوم به برج دختر است و بنای آن از سنگ و آجر درست شده، چهل ذرع ارتفاع دارد و در یک ضلع قلعه دختر بنا شده است. معلوم نیست که قدما قبل

از اختراع توپ- که یقیناً بنای برج قبل از این اختراع شده است- به چه جهت این برج را بنا کرده اند؟ اما حالا روس ها فانوس دریا را شب ها بالای این برج روشن می کنند، یحتمل سابق براین هم چراغ بحری در آنجا روشن می کرده اند!» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۷۰).

قلعه دختر تر کمستان

قلعه دختر مرو: مرو یا ماری از شهرهای باستانی آریاییان و از مراکز فرهنگی ایران بوده و پیشینه آن به پیش از میلاد مسیح می رسد. در این شهر نیز همچون سایر شهرهای ایران قلعه دختری وجود دارد که از جاذبه های گردشگری مرو می باشد.

قلعه دخترهای عراق

قلعه دختر عراق: ظاهراً در بین النهرین نیز قلعه ای به نام دختر وجود داشته است که ابن اثیر از آن به نام «حصن المرأه» (قلعه زن) یاد می کند، «این مورخ می نویسد: فتح ابله» به دست عتبه بن غزاوان در زمان عمر خطاب و در سال چهاردهم هجری صورت گرفت و در همین زمان مثنب بن حارثه «حصن المرأه» را محاصره کرد و موفق به فتح آن شد و ساکنین آنجا اسلام پذیرفتند.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۵۴-۱۵۳). استاد باستانی پاریزی احتمال می دهند که این قلعه همان قلعه ملطیه در ترکیه امروزی باشد، چرا که دیگر امروزه جایگاهی به نام حصن المرأه در عراق یافت نمی شود.

شهربان: شهربان نام آبادی است نزدیک جلولاء (عراق)، «حمدالله مستوفی گوید این نام اصلاً «شهربان» بوده و «گویند شهربان را دختری ابان نام از تخم کسری ساخته است.» مستوفی نسبت شهر رابه زنی نیز تأیید می کند، ولی باید همان «شهربانو» گفت که معنی «بانو شهر» باشد.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۲۴۳).

قزقاپان: صخره ای به نام قزقاپان «در دره شهرزور، نزدیک سلیمانیه عراق» (بهار، ۱۳۸۷: ۱۴۸) وجود دارد. در این صخره قبوری وجود دارد که بر روی آن ها تصاویری نقش بسته شده که گمان می رود ایزدبانو، اناهیتا، برابر یا ایشر بین النهرینی باشد.

اگر پذیریم که در ایران و خاورمیانه کلمه های «ایشتار» و «استار» و «ستاره» را به جای ناهیدبه کار می بردند و نیز اینکه قلعه های منسوب به دختر پرستشگاه های،

ناهید بوده اند و در نظر داشتن این نکته که کلمه ستاره در عربی به «نجم» ترجمه شده، پس باید از یک قلعه دختر دیگر هم در عراق نام برد.

قلعه النجم: «قلعه محکمی است مشرف بفرات بر فراز کوهی، شارستانی آبادان دارد و مردمان به وسیله پلی از فرات گذشته به قلعه می رسند و این پل معروف به منبج است.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۲۲۲).

قلعه دختر ترکیه

قلعه دختر ملطیه: ابن اثیر می گوید: «در این سال [۳۳ ه ق] معاویه در سرزمین روم در ناحیه ملطیه، قلعه دختر را محاصره کرد و با اهل آن جنگید.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۵۴) و این قلعه بنا بر گفته استاد باستانی پاریزی شاید همان «حصن المرأه» عراق باشد.

قلعه دختر هند

قلعه العذراء: در تاریخ بیهقی ذکر می از قلعه ای در هندوستان هنگام سفر سلطان مسعود به آنجا می رود، با این شرح: «روز چهارشنبه نهم ربیع الاول به قلعت «هانسی» رسید و به پای قلعت لشکرگاه زدند و لشکر منصور -خاصه غلامان سرایی- داد بدادند و قلعت همچین عروسی بکر بود، و آخر سمج گرفتند، پنج جای دیوار فرود آوردند و به شمشیر آن قلعت بستند... و این قلعه را از هندوستان قلعه العذراء نام بود، یعنی دوشیزه که به هیچ روزگار کس آن را نتوانسته بود ستدن...» (بیهقی، ۱۳۸۹: ۷۰۴-۷۰۳).

قلعه دختر یونان

قلعه پارتنون ارگ یونان (آکروپل آتن): کلمه پارتنون «در زبان یونانی به معنی دوشیزه و دختر است» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۶۶). نباید فراموش کنیم که مردم یونان از قبایل هندواروپایی بوده اند و داشتن معابد و قلعه هایی که منسوب به دختران باشد، با توجه به اشتراکات فرهنگی و مذهبی قبایل هندواروپایی باورپذیر می باشد.

شایان ذکر است که قلعه های منسوب به دختر در ایران بیشتر از آنچه به آن اشارت رفت، وجود دارد و مادر اینجا به جهت ماهیت مقاله، به همین اندازه بسنده می کنیم، و از معرفی بناهای منسوب به بی بی ها، بانوهایستی ها و... چشم می پوشیم.

۳-۱ - مشخصات قلعه دخترها

قلعه دخترها بیشتر، دور از شهرها ساخته شده اند، تزیینات خاص و کتیبه های قابل توجه به ندرت در آن ها مشاهده می شود، در بیشتر موارد در نزدیکی قلعه دخترها، بناهای منسوب به پسر (قلعه پسر یا اوغلان قلعه) یافت می شود. «مصالح ساختمانی به کار رفته در اکثر این بناها ساروج است.» (ذکایی، ۱۳۸۶: ۵۹).

با اینکه این بناها بیشتر در دوره ساسانیان ساخته شده اند، اما معماری این قلعه هارا می توان شبیه به معماری دوره پارسی دانست. «از ویژگی های معماری پارسی استفاده از مصالح سنگ (تراشیده، کلنگی، لاشه) و خشت خام در بدنه ی پوشش بنا می باشد. از انواع ملات های به کار رفته در این دوران گچ نیم پز، ملات گیر چارو (قیر چارو) و ساروج (چارو) است.» (رسولی، ۱۳۸۴: ۴۰) از دیگر مشخصات ابنیه دختر آن است که همه بر بلندی ها و نقاط صعب العبور قرار دارند.

از آنچه در بخش معرفی قلعه دخترها آمده می توان این مشخصات را برای

این ابنیه برشمرد:

- همه بر بلندی ها و نقاط صعب العبور قرار دارند.
- اغلب بنای آن ها مربوط به قبل از اسلام و خصوصاً عهد ساسانی می باشد.
- بیشتر جنبه تقدس و عبادتی دارند.
- قلاع دفاعی معتبری بوده اند.

و بالاخره، همه دارای غموض ابهام آمیزی درباره نام خود می باشند. «در تاریخ، دختر یا زنی را که عمداً به ساختن ابنیه ای در اکناف ایران دست یازیده باشد، نمی شناسیم. جز در یک مورد یعنی تعمیر شاه بیگم دختر محمد بیگ موصللو پل دختر میانه را، هیچ زنی در بنای این ابنیه نام آور نیست و احتمال آقای دیبا نیز به تسمیه پل دختر به علت تعمیر این زن به نام او صحیح نمی نماید، زیرا مسلم است که قلعه و پل دختر میانه مدت ها پیش از سال ۹۳۳ هجری وجود داشته و معروف بوده است.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۹۴).

«اطلاق نام دختر به دژها و قلعه ها بیشتر ناظر بر بکارت و دست نیافتنی بودن آن هاست.» (قریشی، ۱۳۸۰: ۲۲۹). مرحوم پیرنیا نیز در این مورد می نویسد: «در ایران قدیم ربه النوع دیان را با آنها مطابقت می داده اند، بعضی عقیده دارند که

مقصود از دختر- وقتی که محلی را به او نسبت می دهند (مثلاً می گویند کوه دختر، پل دختر، گردنه- کتل- دختر و غیره) همین ایزد بوده و این اسم از ایران قدیم مانده است. برخی این معنی را نپذیرفته و عقیده دارند که دختر به معنی سخت و یا محکم استعمال شده است. چون برای عقیده اولی (منسوب بودن به ناهید) مدرکی ذکر نکرده اند، چنین به نظر می آید که باید معنی دوم را (سخت و محکم) ترجیح داد. (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۲۲۰۶).

«موریه درباره قلعه ای در ناحیه نخجوان خاطر نشان می سازد که کلمه «قرقلعه» عموماً به دژهایی اطلاق می شود که طبیعتاً غیر قابل تسخیر است. با این همه، بعضی از این قلاع بیشتر به افسانه و داستان تعلق دارد.» (سایکس، ۱۳۵۵: ۳۷۹). در فرهنگ ایرانی نیز «قلعه نماد بکارت است.» (بهار، ۱۳۸۷: ۲۸۷). این مضمون می تواند برگرفته از افسانه های محلی ای باشد که در مورد قلعه های دختر بر سر زبان هاست. بر اساس افسانه ها هیچ مردی اجازه ورود به این قلعه ها را نداشته است، چرا که ورود مرد به قلعه دختر، یعنی دستیابی بر دختر یا دخترانی که در این قلعه بوده اند و این دستیابی با برداشتن بکارت این دختران همسان پنداشته شده است.

این مضمون در ادبیات ایران تسری یافته است. حتی نویسنده ای چون بیهقی نیز در تاریخ گرانقدر خود هنگامی که محمود غزنوی قلعه العذرا را در هند می گشاید، می نویسد: «وقلعت همچنین عروسی بکر بود.» (بیهقی، ۱۳۸۹: ۷۰۳). در دیگر فرهنگ ها و به خصوص فرهنگ بین النهرین نیز، قلعه ها و حصارها نمادی از تسخیرناپذیری بوده اند. «حصارهای آهنین»، «مسین» یا «رویین» در ادبیات آکادی و سپس عبری تشبیهی بودند که سختی بی اندازه و حتی غلبه ناپذیری را بیان می کردند.» (بری، ۱۳۸۵: ۲۶۹). بنابراین، می توان گفت قلعه دخترها به خاطر سختی در دست یابی و تسخیر آن ها به این نام معروف شده اند.

اما بعضی محققین علت نامگذاری این قلعه ها را به دختر، منسوب بودن آن ها به ناهید دانسته اند. چرا که بر پایه گواهی معتبر تاریخی عبادت ناهید در این معابد انجام می گرفته است. باستانی پاریزی در کتاب «خاتون هفت قلعه» معتقد است. ابنیه موسوم به دختر در ایران، همان بناهای منسوب به ناهید و ایشتار می باشد.

(باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۲۰۳). هردوت در تاریخ خود نوشته است که ایرانیان قدیم معابد آراسته خود را تنها در قله کوه های بلند ساخته و به اهورامزدا اهدا می کرده اند. (گویی، ۱۳۸۸: ۱۰۶) اما هم اومی نویسد: «آن هافقط عبارت از صخره خالی بودند.» (بویس، ۱۳۴۶: ۱۴۵).

بنابر آنچه گفته شد، نباید تصور کرد ابنیه و آثار و تپه ها و کتل هایی که به نام دختر موسوم است، حتماً معبد ناهید بوده اند، بلکه می توان گفت این ها آثاری است که به علت مقدس بودن نام اناهیتا در میان ایرانیان به این نام اشتها یافته اند. یا اینکه نام این فرشته پرخیر و برکت به جهت تبرک و یا برای صیانت و بقای اثر بر آن ها مانده است. خانم ماری بویس در مقاله بی بی شهربانو و بانوپارس می نویسد: «گویا در دوره ی قبل از اسلام هیچ بنایی در زیارتگاه های زردستی بر روی کوه ها وجود نداشته است.» (بویس، ۱۳۴۶: ۱۴۵). این نکته می تواند ما را به این معنا رهنمون سازد که همه قلعه دخترها که دارای ساختمان هایی محکم و معماری ای شگرف هستند، نمی توانسته اند به عنوان نیایشگاه مورد استفاده قرار گیرند و در حقیقت از برخی از آن ها در مواردی جز برای عبادتگاه استفاده می شده است.

با عنایت به این نکته که ایمنفوردور و بعضی نگارندگان دیگر مانند هردوت روایت کرده اند؛ «در بعضی از طوایف و ملل ممالک سیت ها زن ها به تخت جلوس کرده سلطنت می نمودند» (دوگویی، ۱۳۸۷: ۱۹۷) و توجه به این مسئله که «همراه مادر شاهی، خدایان مادر، تشریفات زنان و انجمن های ویژه ای که به زنان تعلق داشت، به وجود آمد» (مورگان، ۱۳۵۰: ۷۳)، می توان قلعه دخترها را که صرفاً خاص زنان ساخته می شده و بر اساس افسانه های مردی حق ورود به آن ها را نداشته است، نیز جزیی از این انجمن های ویژه ی زنان به شمار آورد.

قلعه های نظامی

زنان نیمی از جامعه انسانی هستند که تاریخ هر گاه به نام ایشان رسیده، سکوت کرده است. در حقیقت «هیچ کس نمی تواند مفهوم ویژه زن در اجتماع را بهتر از «گرتروند فون» یکی از بزرگترین شاعره های قرن بیستم بیان کند،

او چنین نوشته است: «هرملت با زنانش برپا می ماند، یا فنا می پذیرد.» (پوپ، ۱۳۸۱: ۷).

در ایران باستان - که از اقوام بسیار متمدن جهان بودند - زن را موجودی مقدس و پاک می دانستند و مقام وی را ارج می نهادند. ایرانیان نه همچون اعراب زمان جاهلیت زن را ننگ دانسته و نه همچون یونانیان او را مظهر شهوت و عیاشی قلمداد می کرده اند، بلکه او را موجودی مقدس به حساب آورده، حتی مقام خدایی و تاج بخشی به او داده اند.

اگر به اولین منشور حقوق بشر که نشانه عظمت و بزرگی کوروش است، توجه شود؛ می توان دانست که کوروش به مقام و شخصیت زن توجه خاصی داشته است. در زمان او زنان باردار حق کار کردن نداشتند و به دستور وی تا زمان تولد نوزاد به آنان جیره و حقوق می دادند.

در زمان ساسانیان نیز زنان از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده اند و از اعضای مهم جامعه محسوب می شدند. جایگاه زن در آن زمان به قدری والا بود که چند تن از پادشاهان ایران زن بودند. از آن جمله می توان پورانداخت و خواهرش آذر میدخت دختران خسرو پرویز را نام برد و این نشانه برابری حقوق زن و مرد از هر لحاظ بوده است.

زنان در ایران باستان هنر تیراندازی، اسب سواری، جنگاوری، نبرد و... فرامی گرفته اند، به گونه ای که گاه کار کشتگی و بی باکیشان به آنجا می رسید، که پوشاک فرماندهی و سرداری بر تن می کردند و به سپهسالاری و رهبری برگزیده می شدند. از این نمونه، علاوه بر گردآفرید که نام او در شاهنامه سترگ فردوسی خوش درخشیده است، می توان از **آرتمیس** نام برد. او را ملکه دریاها نیز خوانده اند. وی فرمانده ناوگان ایران در زمان خشایار شاه در جنگ با یونانیان بود. «او با وجود اینکه زن بود، برای رفتن به جنگ یونان حاضر شد. این ملکه بعد از فوت شوهرش چون پسرش صغیر بود، زمام امور دولت خود را به دست گرفت و به واسطه مردانگی و شجاعت عازم یونان گردید و حال آنکه کسی او را به این کار مجبور نکرده بود.» (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۶۱۳).

در بخش معرفی قلعه دخترها درباره موقعیت سوق الجیشی بعضی از این قلعه‌ها خواننده و دانستیم بعضی از این قلعه‌ها درحقیقت دژهایی بوده‌اند که برای محافظت از راه‌ها ساخته شده و کاربری نظامی داشته‌اند، با توجه به این نکته می‌توان فرضیه قلعه‌های نظامی بودن این ابنیه را پیش کشیده و این پرسش را مطرح کرد که آیا می‌توان گفت قلعه دخترها درحقیقت دژهایی نظامی بوده‌اند که زنان امارت و ریاست آن‌ها را به عهده داشته‌اند؟ آیا قلعه‌ای که گردآفرید در آن در مقابل سهراب ایستادگی می‌کند، یکی از قلاع نظامی دختر نبوده است؟

افسانه‌ها

افسانه‌ها و حکایاتی نیز پیرامون این قلعه‌ها برسر زبان‌ها جاری است. قصه‌هایی که می‌تواند ما را در راه رسیدن به رازهای قلعه‌های دختر یاری کند، چرا که به قول دکتر محمدجعفر محجوب «و کدام داستان است که هسته‌ای از حقیقت در آن نباشد؟» (محجوب، ۱۳۵۵: ۵۱).

براساس افسانه‌ها، صاحبان قلعه دخترها، دوشیزگانی جنگ آور و شجاع بوده‌اند که اجازه ورود هیچ مردی را به داخل قلعه نمی‌دادند. آنان مبارزانی دلیر بوده و در بیشتر افسانه‌ها با پسرانی که در پای کوه برای خود قلعه‌هایی کوچک (قلعه پسر) ساخته بوده، مقابله می‌کرده‌اند و در برابر خواستگاری آنان از خود مقاومت نشان می‌دادند. «دختر و دختران و قز و قزلدر نام کوه‌ها» [جای‌ها] حکایت از اعتقادات قدیم دارند. «قریشی، ۱۳۸۰: ۱۸۷». شاید در روزگاری بس دراز، آن زمان که هنوز جامعه ایرانی مادر محور بوده و یا پس از آن، زمانی که دختران در برگزیدن همسر مختار بودند و به تبعیت از اعراب جاهلیت وجود آن‌ها مایه ننگ محسوب نمی‌شده، چنین مکان‌هایی وجود داشته است.

و اما آنچه بیش از همه حکایات درباره این نوع قلعه‌ها برسر زبان‌ها جاری است، قصه دختر پادشاه و پسر عاشق پیشه است. دختر پادشاه بنا به دلایلی به قلعه‌ای در دل کوه پناه می‌برد و پسر عاشق پیشه با از پیش پایداری موانع سعی می‌کند، او را به دست آورد. هانری ماسه در مورد قلعه دختر میانه می‌گوید: «یک دوشیزه شیرازی که میراث کلانسی به چنگ آورده بود، تمام خواستگاران را پاسخ رد داد تا بتواند خویشتن را وقف نیازمندی‌های بشریت سازد. او به این کوه‌های دور دست آمد و

کاخی بنانه‌ها که اکنون ویرانه هایش برجاست و سپس، همین پل را ساخت. (ماسه، ۱۳۵۷: ۲۳۳).

مارسل دیولافوا مهندس باستانشناس فرانسوی که در سال ۱۸۸۴ به ایران سفر کرده است؛ در سفر نامه خود در باب قلعه و پل دختر میانه نوشته است: «درویشی که همراه من بود، داستان این قلعه را چنین نقل می کند: یکی از پادشاهان ایران دختری زیبا داشته... و این دختر از جنس بشر متغیر بود و در حال انزوا می زیست و قلعه را برای زندگی خود ساخت... روزی چوپانی زیباروی، گوسفندان خود را در پایین کوه به چراگاه داشت. از دور آفتاب طلعت دختر را دید... چون راه ورود به قلعه را نداشت، به نواختن آهنگ های جانسوز مشغول شد و ترانه های عاشقانه ساخت... چوپان هر روز به این کار ادامه داد تا کم کم دختر به رحم آمد و هر روز بر کنگره قلعه به شنیدن ترانه های چوپان می نشست. کم کم بهار آمد و آب رودخانه طغیان کرد و چوپان نتوانست از آن طرف رودخانه خود را به این طرف برساند و تاپای قلعه پیش آید، دختر فرمان داد تا پلی بر روی رودخانه ببندند، پل ساخته شد و موسوم شد به پل دختر.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۶۸-۱۶۷).

افزون بر این ها، حکایات دیگری نیز در مورد قلعه دختر میانه در میان مردم بر سر زبان ها بوده است که بیشتر جنبه تاریخی دارد تا افسانه ای. «بنا به نوشته شاردن قلعه دختر را در نزدیکی میانه اردشیر بنا نهاده تا شاهزاده خانمی را در آن زندانی کند.» (ماسه، ۱۳۵۷: ۲۲۷).

فوریه سیاح زمان قاجار نیز در مورد قلعه دختر میانه در کتاب خود می نویسد: «این قلعه را قلعه دختر می خوانند، بعضی می گویند که وجه تسمیه این قلعه به دختر از آن جهت است که شاهزاده خانمی در آنجا منزوی و معتکف شده و عبادت می کرد. برخی گویند پادشاهی، دختر خود را که سر به عصیان نهاده بود، در آنجا زندانی کرده بود.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۶۹). این پادشاه می تواند همان اردشیر ساسانی باشد که شاردن در کتاب خود به او اشاره کرده است.

سایکس در کتاب خود درباره قلعه دختر بازالحمراء می نویسد: «بنابه روایات اجدادی، این قلعه خلوتگاه یک شاهزاده خانم زیبا بوده است و خواستگار (عاشق) بدبخت او در این تالار مسکن گزیده بود.» (سایکس، ۱۳۵۵: ۳۷۹).

در مورد قلعه دختر ساوه نیز حکایتی این چنینی در میان مردم شایع است. افراد محلی می گویند این قلعه سابقاً محلی بوده که زنی دلیر و جنگاور در آن مسکن گزیده بود و عده ای زن را به گرد خود جمع آورده بود. از قضا پسری (شاهزاده ای) عاشق این دختر می شود. او در پایین کوهی که قلعه دختر در بالای آن بنا شده است، قلعه ای می سازد که به قلعه پسر معروف است. درگیری های سختی میان دو قلعه اتفاق می افتد و در نهایت، این زنان هستند که به خاطر موقعیت نظامی بهتر پیروز می شوند. امروزه از قلعه پسر جز تلی خاک، چیز دیگری برجای نمانده است.

در میان مردم کوهبنان نیز در مورد قلعه دختر کوهبنان روایتی است، و آن این است که می گویند: «در روزگار قدیم، زنی حاکم کوهبنان بود، سخت ظالم، او خصوصاً زن های حامله را وادار می کرده که خشت و گل و آب برای ساختن قلعه به بالای کوه ببرند. یک روز که خود سوار بر اسب مشغول بازی با ترنج بوده، و ترنج را بالا و پایین می انداخته، برای گرفتن ترنج، از روی اسب پرت می شود و کشته می شود. او را همانجا به خاک می سپرند.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۲۰۷).

بعضی از این قلعه ها نیز بنا به دلایل تاریخی و نه افسانه ای به «قلعه دختر» منسوب شده اند. چنانکه در داستان خسرو و شیرین، قلعه شیرین بر بالای کوهی ساخته می شود. هانری ماسه در کتاب خود می نویسد: «در مورد حجاری های بیستون (راه کرمانشاه - همدان) کاروانیان به من نقل کردند که این ها چهره هایی است که فرهاد به عشق شیرین عزیزش در دل سنگ برجای نهاده است. کاخ شیرین بر فراز این کوه جای داشته است. (ماسه، ۱۳۵۷: ۳۳۶) و نیز در مورد قلعه ای که به شکر، معشوقه خسرو پرویز منسوب است، گفته شده که آن قلعه تبعیدگاه شکر بانو بوده است که به خواست شیرین و به دلیل حسادت او نسبت به شکر در سر چشمه رودخانه قره بلاغ زهاب ساخته شده است.

در مورد قلعه دختر نیسا نیز آمده است: «این قلعه و بند منسوب به زنی است، و گویند که «تادود خاتون!» همسر اردشیر بابکان، پس از آنکه اردشیر کرمان را تسخیر کرد، آن را ساخته است.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۲۳۹).

در حدود راور کرمان، در بالای تپه ای بعد از یابان چهل پایه لوط، برجی به نام «دختر» وجود دارد. بنابه روایتی، یکی از پادشاهان شهر لوط با عاشق خود به این محل فراری و پناهنده گردیده و خود را داروغه خوانده و از عابرین باج می گرفت. و به دلیل وجود این معشوقه بود که این برج به برج دختر معروف شده است. در مورد وجه تسمیه مناره چهل دختران اصفهان هم آمده است که «پس از حمله مغول و نفوذ آن ها در اصفهان، چهل دختر با کره اصفهانی از ترس مغولان یکی پس از دیگری از طریق دریچه ای وارد منار شدند و هرگز بیرون نیامدند و این نام از آن تاریخ بر روی منار باقی مانده است.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۸۰). مردم هنوز هم معتقدند ارواحی را در این مناره می بینند که آزادانه در آن در حال رفت و آمد می باشند.

برخی افسانه های اساطیری نیز در مورد قلعه های دختر در میان مردم شایع بوده است. مثلاً در طالقان محلی است، به نام چهل دختر کمر که نزدیک قلعه ای معروف به «ارژنگ قلعه» قرار دارد، «عوام» فشنک» گویند که ارژنگ دیو - در هفت خان رستم - صاحب این قلعه بوده و عقیده دارند که ارژنگ دیو، چهل دختر از چهل پادشاه را در این قلعه به اسیری گرفته بود که پس از فتح قلعه به دست رستم - بر حسب معمول - همه این دختران به ازدواج همراهان رستم درآمدند و از نتایج آن پهلوانان، اهالی طالقان پدید آمدند.

روایت دیگر نیز هست که این چهل دختر اهل طالقان بودند، روزی که برای جمع آوری گیاه به کوه رفتند، ارژنگ دیو، آنان را دید و پسندید و خواست تصاحب کند که دختران دست دعا به درگاه خدا برداشتند و از او نجات خواستند، زمین زی رپایشان شکافت و دختران در آن فرو رفتند، اکنون به مناسبت همین روایت، در پای خرابه های ارژنگ، صخره ای به نام «چهل دختر کمر» معروف است. (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۸۰).

سایکس در کتاب خود درباره قلعه دختر ایوانکی چنین می نویسد: «در ایوان کیف (راه تهران - مشهد) ویرانه ای است به نام چهل دختر. شاهزاده خانمی که در آن می زیست، پوشاک مرد به تن می کرد و باسی و نه خدمتکار به شکار و جنگ می پرداخت.» (سایکس، ۱۳۵۵: ۳۷۹).

در نماد شناسی اروپایی نیز درباره برج آمده است: «نشانه اصلی، باربارای مقدسه است که پدرش او را در برجی محبوس ساخت تا دوشیزگی او را حفظ کند.» (هال، ۱۳۸۰: ۱۱۵). در اینجا نیز به خوبی قابل مشاهده است که در سایر کشورها نیز پدران برای حفاظت از دختران خود، آن‌ها را در برج‌هایی بلند و دور از دسترس محصور و محفوظ می‌داشته‌اند و این، با آنچه ادبیات ما منعکس کننده آن است، شباهت‌هایی را داراست.

آنچه گفته شد، نشان‌دهنده آن است که قلعه‌های دختر و پناه گرفتن دختران در این قلعه‌ها و برج‌ها تنها مختص ایران نیست، بلکه در قصه‌ها و افسانه‌های سایر ملل نیز می‌توان ردپای قلعه دخترها را یافت. در حقیقت، این قلعه‌ها، برج‌ها و باروهای عظیم و هرچه که آن‌ها را بنامیم، در گوشه و کنار جهان وجود داشته‌اند و مأمّن زنان و دختران بوده‌اند.

در ایران نیز همانطور که پیش از این خواندیم، قلعه‌های دختر در همه جا پراکنده‌اند. علاوه بر این، ایران سرزمین قصه‌ها و افسانه‌هاست و هر قصه‌ای واقعیتی را در دل خود نهفته دارد. بنابراین، می‌توان گفت قلعه دخترها نه به خاطر آنکه معابد اناهیتاست و نه به خاطر آنکه در جامعه مادر محور سال‌های پیش در ایران، مکانی برای تجمع زنان شیردل ایرانی بوده است، بلکه به خاطر اینکه پناهگاه دختران پادشاهان و شاهزادگان بزرگ بوده است تا چشمان نامحرمی به آن‌ها نیفتد و دستان غریبه‌ای آن‌ها را لمس نکنند، به «قلعه دختر» نامبردار گشته‌اند.

نتیجه‌گیری

بر اساس پژوهش انجام شده، ساخت قلعه دخترها دلایل متعددی داشته است که از میان آن‌ها دو دلیل زیر بیش از همه قابل تأمل است:

۱- پرستشگاه اناهیتا: محققین بر این باورند از آنجا که ایرانیان برای الهه آب و باروری احترام ویژه‌ای قایل بوده‌اند، نیایشگاه‌هایی را برفراز کوه‌ها برای این بانو ساخته و در آن‌ها به پرستش اناهیتا مشغول بوده‌اند. از آنجا که در بیشتر قلعه دخترها، سیستم آب‌رسانی قوی‌ای موجود می‌باشد و نیز در بعضی از آن‌ها محرابه‌هایی وجود دارد، همچنین، وجود حوض‌ها و آبگیرهایی که به طور طبیعی

و یا به دست بشر در این قلعه ها ساخته شده، باستان شناسان را به این باور رهنمون ساخته که این بناهای باشکوه و سالخورده سابقاً به عنوان عبادتگاه مورد استفاده قرار می گرفته است.

۲- قلعه های نظامی: برپایه حضور بانوانی چون گردآفرید و بانو گشنسب و زربانو و دیگر شیرزنان دلیر ایرانی که نامشان در حافظه تاریخ تا همیشه ثبت خواهد ماند هر چند نامی از آن ها بر صفحات کاغذ نقش نبندد، و نیز آنچه در افسانه ها و حکایت های محلی ایرانی در مورد قلعه دخترها بر زبان ها جاری است، مبنی بر اینکه این ها قلعه ها و دژهایی بوده اند که دخترانی گرد و دلیر در آن ها مسکن داشته و در برابر بی عدالتی دست به مبارزه می زده اند، فرضیه قلعه نظامی بودن این ابنیه را تقویت می کند.

کتابنامه

الف: کتاب ها

- ۱- باستانی پاریزی محمد ابراهیم (۱۳۶۸) **خاتون هفت قلعه**، تهران، انتشارات روزبهان، چاپ چهارم.
- ۲- بری مایکل (۱۳۸۵) **تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی**، ترجمه جلال علوی نیا، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- ۳- بهارمهر داد (۱۳۸۷) **از اسطوره تا تاریخ**، تهران، نشر چشمه، چاپ ششم.
- ۴- بیهقی ابوالفضل (۱۳۸۹) **تاریخ بیهقی**، تصحیح: دکتر علی اکبر فیاض، تهران، نشر علم، چاپ دوم.
- ۵- پوپ جورج (۱۳۸۱) **زنان بزرگ تاریخ**، ترجمه عفت شیرازی، تهران، نشر موج، چاپ دوم.
- ۶- پیرنیا حسن (۱۳۷۰) **تاریخ ایران باستان**، جلد سوم، تهران، دنیای کتاب، چاپ پنجم.
- ۷- دوگوبینو آرتور ژوزف (۱۳۸۷) **تاریخ ایرانیان «دوره باستانی»**، ترجمه: ابوتراب خواجه نوریان، تهران، نشر ثالث، چاپ اول.
- ۸- دهخدا علی اکبر (۱۳۶۵) **لغت نامه**، جلد ۳۸، تهران، موسسه انتشارات دهخدا.
- ۹- ذکایی ساوجی مرتضی (۱۳۸۶) **نامه ساوه** (مجموعه مقاله های ساوه پژوهی)، تهران، انتشارات کردگاری.

- ۱۰- رسولی هوشنگ (۱۳۸۴) **تاریخچه و شیوه های معماری در ایران**، تهران، انتشارات پشتون، چاپ دوم.
- ۱۱- زنده دل حسین و دستیاران (۱۳۸۷) **راهنمای قلعه های ایران**، تهران، کاروان جهانگردان-ایرانگردان، چاپ اول.
- ۱۲- سایکس پرسی (۱۳۵۵) **هشت سال در ایران**، ترجمه: حسین سعادت نوری، تهران، چاپخانه ارمغان.
- ۱۳- شاردن (۱۳۶۲) **سفرنامه شاردن** (بخش اصفهان)، ترجمه: حسین عریضی، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم.
- ۱۴- فردوسی ابوالقاسم (۱۳۸۲) **شاهنامه فردوسی**، تهران، انتشارات پیمان، چاپ سوم.
- ۱۵- قریشی امان الله (۱۳۸۰) **آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی** (درآمدی بر عام اعلام جغرافیایی هند و ایرانی)، انتشارات هرمس، تهران، چاپ اول.
- ۱۶- گویری سوزان (۱۳۸۸) **اناهیتا در اسطوره های ایرانی**، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ سوم.
- ۱۷- ماسه هانری، **معتقدات و آداب ایرانی** (۱۳۵۷) ترجمه مهدی روشن ضمیر، تبریز، ج دوم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- ۱۸- محجوب محمدجعفر (۱۳۵۵) **هشت بهشت و هفت پیکر**، تهران، انتشارات هنر و مردم.
- ۱۹- مشتاق خلیل (۱۳۸۷) **تاریخ معماری ایران در دوره باستان دوره اسلامی**، تهران، موسسه انتشاراتی آزاداندیشان، چاپ اول.
- ۲۰- مقیم علی (۱۳۸۸) **آثار تاریخی فراز کوههای ایران**، تهران، انتشارات کریمخان زند.
- ۲۱- مورگان جان دی (۱۳۵۰) **پیدایش دین و هنر**، مترجم: ایرج احسانی، تهران، انتشارات گوتنبرگ.

ب: مقالات

- ۱- بویس ماری (۱۳۴۶) **«بی بی شهربانو و بانوپارس»** ترجمه حسن جوادی، بررسی های تاریخی، سال دوم، شماره ۳ و ۴، ص ۱۴۵.
- ۲- زمانی عباس (۱۳۵۱) **«قلعه دختر مزار بجزستان گناباد»** بررسی های تاریخی، سال هفتم، شماره ۶، ص ۲۵۳.